

به بهانه برگزاری پانزدهمین جلسه دادگاه عاملان قتل هرانت دینک روزنامه‌نگار ارمنی تبار ترک

بومرنگ نیکی هرانت به خودش بازگشت

چندی پیش (آبان ماه) پانزدهمین جلسه دادگاه قاتل هرانت دینک و همدستان وی برگزار شد و دادگاه با این استدلال که «اوگون ساماست» هنگام قتل دینک زیر ۱۸ سال داشته تصمیم گرفت شانزدهمین و آخرین دادگاه عاملان جنایت را در هفت فوریه ۲۰۱۱ در دادگاه کودکان تشکیل دهد.

در این نوشتار نگاهی به زندگی و افکار هرانت دینک، بازتاب‌های داخلی و خارجی قتل وی و روند محاکمه عاملان ترور هرانت دینک خواهیم انداخت.

■ **هرانت دینک کیست**

هرانت دینک ۱۵ سپتامبر ۱۹۵۴ در مالاتپا در شرق ترکیه چشم به جهان گشود. در پنج‌سالگی همراه خانواده‌اش به استانبول مهاجرت کرد و در پی متار که آنها به همراه دو برادر خود در بنیم‌خانه کلیسای پروتستان ارمنی مورد سرپرستی قرار گرفتند. هرانت بعد از اتمام تحصیلات با راکل یاغباسان که در دوران تحصیل با هم آشنا شده بودند ازدواج کرد. سپس او در دانشگاه فنی استانبول به ترتیب در رشته‌های جانورشناسی و فلسفه و ادبیات ادامه تحصیل داد. او آرزو داشت در رشته فلسفه زیست‌شناسی دکترای بگیرد ولی عشق به چپگرایی سیاسی که تازه در ترکیه در حال شکل‌گیری بود مانع از تحقق رویای وی شد. در این زمان هرانت به دلیل هراس از اینکه فعالیت‌های چپگرایانه‌اش موجب‌تایان و اسبب به جامعه ارمنی را فراهم کند نامش را به «فرات» تغییر داد. در این دوران او به همراه همسرش راکل مدیریت کمپ توزلا را که از کودکان بی‌سرپرست ارمنی نگهداری می‌کرد بر عهده گرفت اما چند بار با این اتهام که در این کمپ از کودکان ارمنی میلیشیاهای متعصب به وجود می‌آورد، بازداشت شد.

او در سال‌های دهه ۱۹۹۰ با امضای «چوتاک» (به ارمنی یعنی ویولن) در روزنامه ارمنی زبان «مارمارا» به انتقاد از کتاب‌هایی که در ترکیه در مورد تاریخ ارمنستان نوشته بود، پرداخت. در پنجم آوریل ۱۹۹۶ نخستین شماره روزنامه آگوشتیا را به عنوان اولین نشریه هفتگی ترکی-ارمنی در ترکیه منتشر کرد.

روزنامه آگوشتیا که نامش را از یک واژه نمادین مشترک گرفته بود و در هر دو زبان ترکی و ارمنی به معنی «جایی که یاد صبا دانه‌ای را در آن می‌کارد و برکت و فراوانی از آن می‌بارد» بود سیاستی مشترک در پیش گرفت که هدف اصلی‌اش ارتباط با ارامنه ترکی بود که زبان مادری‌شان را نمی‌دانستند و اینکه مشکلات ارامنه در ترکیه و به‌خصوص با دولت را از زبان خودشان مطرح کند و دیگر اینکه تاریخ و فرهنگ ارامنه را به ملت ترک بنمایاند و برای مسائل مشترک ترک-ارمنی راه‌حل‌های عملی پیشنهاد کند.

دینک علاوه بر هفته‌نامه آگوشتیا در روزنامه‌های ترک‌زبان «زمان»، «هزاره جدید» و «یک روز» به ستون‌نویسی پرداخت. با آغاز فعالیت‌هایی که برای بازگشایی مرز مشترک ترکیه-ارمنستان صورت گرفت او با حمایت از این عمل که باعث شروع دوستی دو کشور می‌شد بر این نکته تأکید می‌کرد که به جای چانه‌زدن در مورد رقم کشته‌شدگان حوادث ۱۹۱۵ بهتر است به فکر بازماندگان باشیم و بسترساز آشتی مردم شویم. او سال‌ها با شرکت در کنفرانس‌های خارجی در چهار گوشه جهان فعالیت‌های خود را برای آشتی دو ملت پی گرفت.

دینک در طول دوران روزنامه‌نگاری‌اش با شکایت‌های زیادی مواجه شد اما دشوارترین آنها اقامه شکایتی بود که پس از نوشتن مطلبی با عنوان «راز صابیحا خاتون» صورت گرفت و موضوع آن در مورد اثبات ارمنی بودن صابیحا گوجن- دختر معنوی آتاتورک و اولین خلیان زن ترکیه که دومین فرودگاه استانبول در قسمت آسیایی به نام اوست- بود که دینک به قلم خود در هفته‌نامه آگوشتیا نوشته بود.

این خبر با تبدیل شدن به تیتراول روزنامه‌های مهم ترک باعث شد راستگرایان ترکیه هرانت دینک را به علت تحقیر ملت ترک شایسته مجازات بدانند. آنها با حذف قسمت‌هایی از مطلب که در مورد آشتی دو ملت ترک و ارمنی بود با وارونه جلوه دادن نوشته دینک از او در چشم مردم ترک یک ملیشای خطرناک ساختند به گونه‌ای که از دادگاه برای او تقاضای شش ماه زندان کردند و پس از تقاضای تجدیدنظر دینک، شکایت دیگری به دادگاه مبنی بر تلاش دینک برای

تحت تاثیر قرار دادن قاضی انجام شد. در روزی که هرانت دینک به اتفاق وکلایش در دادگاه حضور یافت با جمعیت خشمگینی که به طرف او پول خرد و قلم و خودکار پرتاب می‌کردند روبه‌رو شد. آنها خطاب به دینک شعار می‌دادند: «ترکیه، یا دوستش داشته باش یا ترکش کن».

در مدت زمانی که این دادگاه‌ها ادامه داشت شکایت‌های مختلفی نیز به آن افزوده می‌شد و در نهایت هرانت دینک در ۱۹ ژانویه ۲۰۰۷ در میدان تقسیم شلوغ‌ترین میدان استانبول و در روز روشن به دست اوگون ساماست جوان ملی‌گرای ترک به گلوله بسته شد و پسر هرانت دینک به همراه صاحب امتیاز نشریه آگوشتیا به یک سال زندان محکوم شدند!

هرانت دینک هنگام مرگ دارای جواز متعدد بین‌المللی از کشورهای گوناگون بود. هرانت دینک پنج سال قبل از ترورش در یک سخنرانی در تراپوزان گفته بود: من ارمنی خوبی هستم. تا به حال کار غیرقانونی از من سر نزده است و تاکنون به عضویت هیچ گروه تروریستی در نیامده‌ام اما در این کشور کافی است که چپی باشی و ارمنی آن موقع گناهکاری بیش نخواهی بود. مرا در کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۱ به مدت هشتت روز در یک دستشویی حبس کردند و هر نیم ساعت یک بار مجبورم کردند سرود ملی را بخوانم. اما من این کشور و مردمش را دوست دارم. کمتر روزی است که به دفتر آگوشتیا نیاید و نگوید: اینجا را می‌خوانی این نقشه گنج است که به زبان ارمنی نوشته شده است. شنیده‌ایم ارامنه گنج‌های زیادی دارند. ولی من در جواب آنها می‌گویم من نقشه‌های گنج بسیاری دیدم‌ام ولی باور کنید گنج اصلی زیر زمین نیست روی آن است و شاید به این علت بود که قاتل هرانت یک جوان تراپوزانی ازآب درآمد.

ترور دینک باعث واکنش مردمی گسترده‌ای در ترکیه شد که بازتاب وسیعی در مطبوعات ترکیه مخصوصاً استانبول داشت. روزنامه پرتیراژ «زمان» با انتخاب تیترا «راهپیمایی تاریخی در استانبول» طی مقاله‌ای به قلم ناظم آلپ مان نوشت: ترکیه تماشاگر جنایت هرانت دینک نماند و استانبول یکی از شب‌های تاریخی خود را گذراند. ده‌ها هزار نفری که حاضر به سکوت در این مورد نبودند ابتدا در میدان تقسیم جمع شده و سپس با سردادن شعارهایی مانند «همه ما هرانت هستیم»، «همه ما ارمنی هستیم» روبروی دفتر مجله آگوشتیا با در دست داشتن میخک قرمز و شمع تجمع کردند.

استانبول طی چند سال گذشته چنین تجمعی را به خود ندیده بود. جمعیت با کف زدن و بدون بروز هیچ‌گونه درگیری شروع به راهپیمایی کردند و بسیاری از افراد پلیس با چشمانی اشک‌آلود در اطراف آنها زنجیره انسانی درست کردند. در میان جمعیت افراد سرشناسی چون محمدعلی بیراند تحلیلگر و روزنامه‌نگار معروف، شزن آکسو خواننده نامدار ترک و… حضور داشتند.

روزنامه صباح دیگر روزنامه معتبر ترک در مطالبی تحت عنوان «اناتومی جنایت» به انعکاس واکنش مردم پرداخت. دینک سردبر نشریه آگوشتیا ۱۹ ژانویه در حالی که در ساعت ۱۴:۵۴ دقیقه از دفتر روزنامه در منطقه شیشلی یکی از شلوغ‌ترین و

سال پنجم ■ شماره ۱۱۴۷ ■ چهارشنبه ۸ دی ۱۳۸۹

kiiosk.shargh@gmail.com

به بهانه برگزاری پانزدهمین جلسه دادگاه عاملان قتل هرانت دینک روزنامه‌نگار ارمنی تبار ترک

بومرنگ نیکی هرانت به خودش بازگشت



ترور هرانت دینک دو سال از سنش کم شده! در حالی که ده‌ها کیلو اضافه‌وزن پیدا کرده است و در هر بار دادگاه با چهره‌ای خندان و جاق‌تر خبرنگاران را غافلگیر می‌کند. پدر اوگون ساماست زمانی که تصاویر ترور هرانت دینک توسط پسرش را دیده بود بلافاصله با پلیس تماس گرفته و محل اقامت پسرش را لو داده بود. بر اساس خبر خبرگزاری نیمه‌رسمی آتاتولی در آن زمان ساماست به انجام قتل اعتراف کرده و گفته بود از کارش پشیمان نیست. همچنین اعتراف کرده بود دستور ترور را از رئیس سازمان Yet (تیم نابودی) گرفته‌است.

■ **بومرنگ‌ها برمی‌گردند**

در ۱۴ جلسه دادگاه ترور هرانت دینک گروهی که به نام دوستان دینک معروفند جلوی دادگاه جمع می‌شدند ولی در جلسه پانزدهم این دادگاه علاوه بر این گروه افراد سرشناسی چون احمد تورک (رهبر حزب منحله جامعه حزب دموکراتیک ترکیه) و آکن بیردال نماینده حزب اتحاد دموکراتیک آنها را همراهی می‌کردند.

در پانزدهمین جلسه دادگاه عاملان ترور هرانت دینک علاوه بر اوگون ساماست دو همدست او یاسین هابال و اورهان تونجل و نیز خانواده دینک حضور داشتند. قرارى که دادگاه در پایان این جلسه صادر کرد باعث شوکه شدن حاضران شد. داستان از این قرار بود که بر اساس مداره‌ای که یک روز قبل در پانزدهمین جلسه دادگاه به تصویب رسیده بود کودکانی که بازپچه گروه‌های تروریستی-مخصوصاً در مناطق کردنشین- قرار گرفته و توسط دیگر می‌شوند نباید محاکمه شوند. این مساله باعث شد وکیل اوگون ساماست با اشاره به این ماده قانونی درخواست کند محاکمه موکلش به این علت که او هنگام قتل ۱۷ سال داشته در دادگاه کودکان انجام پذیرد و برای خراب نشدن روحیه‌اش دادگاه غیرعلنی برگزار شود. قاضی دادگاه نیز با گفتن این جمله که بسیار متاسفم ولی قانون همین را می‌گوید به درخواست وکیل ساماست تن داد و جلسه بعدی و آخر دادگاه به هفتم فوریه ۲۰۱۱ در دادگاه کودکان موکل شد. طرفه اینکه هرانت دینک در زمان حیاتش برای تصویب قانونی که محاکمه کودکان قرب‌تاپ‌کننده سنگ به طرف پلیس شود، تلاش خستگی‌ناپذیری کرده بود و همین ماده قانونی نیز باعث فرار قاتل وی از مجازات شد و به قول اوغور دوندار تحلیلگر شبکه استار تی‌وی بومرنگ نیکی هرانت ناعادلتی را به او بازگرداند.

■ **جای خالی هرانت**

گل پویواز روزنامه‌نگار ترک می‌نویسد هرانت دینک بارها در مصاحبه‌هایش گفته بود خواست او از ارامنه ترک این است که وجدان خود رجوع کرده و اتفاقات گذشته را به‌خاطر آورند وگرنه ما کینه‌ورزی، نفرت یا هیچ درگیری و برخورد زشتی را نمی‌پذیریم زیرا تنها اتفاقاتی که وجدان آدمی را به درد نمی‌آورد به درد حل مساله نمی‌خورد. پویواز می‌افزاید: روزی در تلویزیون استرالیا صدای آشنایی شنیدم، بله او هرانت دینک بود که برای شرکت در کنفرانس به سیدنی آمده بود. او در پایان کنفرانس در برابر سوالات فراوانی که رسانه‌های مختلف در مورد ترکیه می‌پرسیدند تنها یک جواب می‌داد: من هنگامی که خار از ترکیه به سر می‌برم هیچ انتقادی از کشورم نمی‌کنم.

هرانت دینک بدون توجه به این توصیه روزنامه‌نگاری که «هیچ مطلبی ارزش جان شما را ندارد» به جنگ پارهای از کج‌فهمی‌های دررسال رفت و جان خود را هم بر سر این کار نهاد.

ترجمه:علیرضا باستانی

عاقبت خدمات خبری و گزارشگری بین‌المللی

ترجمه منتشرنشده کتاب «گزارش اخبار بین‌المللی» را هر هفته در باورقی کیوسک بخوانید.

دیوید شلزینگر / مقدمه جان اُون
چنانچه از این به بعد دقت کنید متوجه خواهید شد که هر زمان یکی از روزنامه‌های شهرتان را باز می‌کنید (فرض را بر این می‌گیریم که روزنامه نیویورک‌تایمز یا تایمز لندن نباشد) زیر هر یک از مقالات مندرج در آنها را که ملاحظه کنید متوجه می‌شوید که خبر یا گزارش پیش‌روی‌تان توسط یکی از خبرنگاران خبرگزاری رويترز یا آسوشیتدپرس (AP) تهیه شده و محل مخابره خبر نیز از کابل یا بغداد است. در نگاه بعدی به تصاویر بین‌المللی همین نشریات که به دقت بنگرید دوباره خواهید دید که عناوین یکی از همین خبرگزاری‌های معتبر در کنارشان وجود دارد که تصاویر مورد نظر توسط یکی از خبرنگاران عکاس (فتوژورنالیست) خبرگزاری‌های یادشده گرفته شده است.

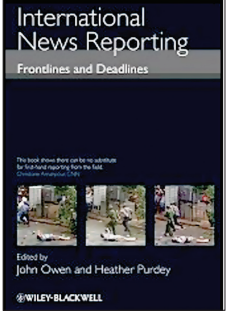
شاید شما جزء آن دسته افرادی باشید که هرگز روزنامه‌ای را برای مطالعه به هر دلیلی به دست نگرفته باشید و منبع کسب اخبارتان وب‌سایت‌های گوناگون باشد. لختی در این باره درنگ کنید که سایت‌های موردنظرتان اخبار بین‌المللی خودشان را از چه منابعی نقل می‌کنند حتی این بار نیز در کنار آنها نام یکی از منابع خبری رويترز، آسوشیتدپرس (AP) یا خبرگزاری فرانس‌پرس (AFP) درج شده است.

رسم است که در دنیا از خبرنگارانی که کلیه خدمات خبرگزاری‌ها را در اختیار دارند به عنوان «قهرمان گنگام خبری» یاد می‌شود. به ندرت اتفاق می‌افتد که نام این عده در ذیل مقالات و گزارش‌ها ذکر شده باشد. با این وجود اگر تلاش و همت قهرمانان مذکور نبود، روزنامه‌ها، صدا و سیمیا و حتی وبسایت‌های ما از اطلاعات دست اول جمع‌آوری‌شده از سرتاسر دنیا محروم می‌شدند.مت‌های مدیدی بود که خبرنگار خبرگزاری آسوشیتدپرس (AP) یعنی مورت روزن بلام به خبرنگاران و گزارشگران خبرگزاری‌ها لقب «چاپارهای خبری» داده بود که ویژگی آنها در این بود که باید با ساعت و زمان دقیق کار کنند و در عین حال برنده مسابقه هم باشند. هنگامی که اخبار مهم به وقوع می‌پیوندد خبرگزاری‌ها اولین نفرات خود را به محل اعزام می‌کنند و اخبار لحظه به لحظه را یی می‌گیرند و با لیده‌های جدید آنها را نگاشته و مخابره می‌کنند. در برخی از کشورها روزنامه‌ها این ضرب‌الاجل‌های خبری را بر عهده می‌گیرند و اطلاع‌رسانی می‌کنند. (روزن بلام، ۱۹۹۳)

امروزه خبرنگاران تمام مطالب خبری خبرگزاری‌ها را که روی نمایشگر رایانه‌هایشان مطالعه می‌کنند هرگز به طور عملی تجربه نخواهند کرد اما هیجانات اخبار را از اتاق خبر لمس می‌کنند، به ویژه هنگامی که خدمات خبرگزاری‌ها از طریق نشن‌شن‌نویس‌ها لیدتاپ جداگانه به آنها مخابره می‌شود و آن هنگام است که خدمات آنان حکایت از رخداد‌های خبری مهم می‌کند. روزن بلام همچنان خبری را این گونه تعبیر می‌کند: بیشتر چاپگرهای تپل مدل ۱۵، قطار گذاذهای اخبار را به روی میز سردبیر ردیف می‌کردند و تنها موزیک همه اتاق‌های خبر صدای امدت همین چاپگرها بود که دقیقه‌ای ۶۰ کلمه چاپ می‌کرد. گاهی اوقات هم صدای زنگ دریافت خبر هرازچندگاهی به گوش می‌رسید که موجب خاتمه گفت‌وگوهای کوتاه افراد حاضر در اتاق خبر می‌شد و دبیران اخبار نیز خود را آماده دریافت اخبار منقطع و کوتاه تحت عنوان «بولتن» می‌کردند. به دنبال آن دبیران خبر پیش‌نویس اخبار را به سرعت برای خبرنگاران‌شان مخابره می‌کردند که معمولاً سراز‌آغ همگی آنها چنین بود که «به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس (AP)… و با عبارت «خبر فوق هرچه سریع‌تر پیگیری شود» خاتمه می‌یافت.

درست در جایی که اغلب ازآئس‌های خبری و خبرگزاری‌ها در ارتباط با اعضا و کارکنان و «استرنیگر» های خودشان هستند، گزارشگران‌شان باید آنچه را که به‌شخص تجربه کرده یا دیده‌اند یا مطالبی را که از منابع موثق کسب کرده‌اند تاولیل و تفسیر کرده و در قالب اخبار مشروح و منسجم و اطلاعات مرتبط قرار دهند. کارین اریک نشون ستون‌نویس و نویسنده فقید معتقد است غالباً این وظیفه بر دوش خبرنگاران سمج خبرگزاری‌ها سنگینی می‌کند که اول از همه به این پرسش پاسخ دهند که «لید خبرشان چه باید باشد؟» و دقیقاً پاسخ به این سوال همواره دغدغه خاطر زنان و مردان مشخص خبرنگار بوده و هست.

همیشه و از نظر تاریخی این مسئولیت بر عهده خبرنگاران روزنامه‌ها، ایستگاه‌های رادیویی و شبکه‌های تلویزیونی در سرتاسر دنیا بوده است که زمان انتشار خبر لید اخبار و شرح مواقع رخداد‌های رسالی خبرنگاران‌شان را تشخیص دهند.



چنانچه امروز خبرگزاری‌ها بدون انجام هر گونه تحقیقی در مورد درستی صحت اخبار اقدام به انتشار آن کنند اعتبارشان را زرد افکار عمومی از دست داده و عواقب سنگینی را برای یکایک مسئولان‌در کاران به دنبال خواهد داشت. خبرگزاری آسوشیتدپرس (AP) در نتیجه مساعی و پشتکار یکی از صاحبان روزنامه‌های نیویورک با هر عرصه وجود گذشت و اقدام موسسان آن در فروش اخبار به دیگران منجر به خلق خبرگزاری آسوشیتدپرس در امریکا شد. باول رولین روتر نیز که از پناهندگان آلمانی در بریتانیا بود که به انگلن این فکر به ذهنش خطور کرد که قضیه مربوط به تنگه انگلیسی داور را با قبول تمام مخاطرات خبرنگاری به صورت تازه و جدید در سال ۱۸۵۱ مخابره کند.

جان هوهن برگ خبرنگار و تاریخ‌نگار انگلیسی شرح یک به یک واقعه را چنین برمی‌شمارد که روتر با ابتکاری که به خرج داد موفق به اخذ اخبارهای ویژه‌ای از مردم آن دوره شد و ابتکار وی چیزی نبود جز تأمین آخرین اطلاعات بازار کشورهای اروپایی و قرار دادن آن در اختیار جامعه اقتصادی و مالی لندن. وی به جای به کارگیری اخبار مربوط به تنگه ابی داور، آخرین اطلاعات و اخبار مربوط به بازار سهام را پوشش داد. یادداشت‌های هوهن برگ در ادامه به این نکته اشاره می‌کنند که به دنبال خلافتی که روتر به خرج داد، دولتی کنبدی که روزنامه‌های مهم آن زمان که تحت رهبری نشریه تایمز در انگلستان بودند جهت دریافت آخرین اخبار و اطلاعات صحیح و فوری قراردادهایی را با روتر به امضا رسانند. (هوهن برگ ۱۹۹۵: ۸-۱۱)
همزمان با این قرارداد، روتر اقدام دیگری را هم انجام داد و آن گزارش رخداد‌های جهانی بود که به طور طبیعی عملکرد بازاریهای مالی را تحت تأثیر خود قرار می‌داد و دوباره فعالیت اخیرش را با سرعت عین کرد تا به این ترتیب از تمام رقبای عصر خویش جلو افتاد.

موزس ییل بیج بیناگنذر خبرگزاری آسوشیتدپرس (AP) و روترز (که بعدها) جمع را به عنوان خودش (فروز) به این نتیجه و درک مشترک رسیدند که خبرنگاری چیزی جز پیشاپیش دیگران حرکت کردن و پشتیبانی کردن از جمع‌آوری حرفه‌ای اطلاعات و همچنین درک و تحلیل رخداد‌های خبری نیست. آنچه مهم‌ست واقعیت خبرنگاری هرگز تغییر نکرده است. شبکه خبری CNN شهرتش را با به جان خریدن مخاطرات فراوانی که برای تیم خبری‌اش در بغداد و طی اولین جنگ خلیج فارس وجود داشت، کسب کرد و این در شرایطی بود که شبکه‌ها و سازمان‌های خبری دیگر تصمیم به عقب کشیدن از وضیت موجود گرفتند. تمام عوامل خبری، نگران حملات مرگبار هوایی نیروهای امریکایی به بغداد بودند و صدام نیز درصدد بوداز تمام اهداف به عنوان هدف‌های نظامی بهره‌برداری کند. درست در شرایطی که ازآئس‌های خبری و شبکه‌های مستقر در آنجا عاجز از ارسال تصاویر از بغداد بودند، شبکه خبری CNN سلاح مرموزش که وسیله مخابراتی «چهار سیم» بود را برای این منظور به کار گرفت. این وسیله قدیمی، از ارتباط مستقیم صوتی را بین بغداد، امان در اردن و یک پیوند ماهواره‌ای با اقصی نقاط جهان برقرار کرد. تیم خبری CNN در آن روزگار متشکل از «هرارد شلو»، «جان هالی من» و «پیترا آرنت» بود که مصاحدات مستقیم خود را به جهانیان عرضه می‌کردند. این عده در شرایط بسیار خطرناک و دشواری از اتاق‌شان واقع در طبقه نهم هتل الرشید بغداد اخبار واقعی و انحصاری خودشان را از حملات هوایی نیروهای امریکایی مخابره می‌کردند.

چنانچه خبرنگاران و خبرنگاران تصویربردار (فتوژورنالیست‌ها) را که برای بنگاه‌های خبری کار کرده‌اند در زمره نام‌آوران و ستارگان عرصه رسانه محسوب نکنیم، حداقل این عده نزد هم‌کیشان خود قابل احترام و ارزشمند. دو نمونه از این افراد که طی جنگ ویتنام برای خبرگزاری آسوشیتدپرس (AP) کار می‌کردند «پیترا آرنت» و «هورست فاس» بودند که هر دو نیز موفق به دریافت جایزه پولیتزر شدند.

پی‌نوشت:

۱- گزارشگران آزادی که غالباً در مناطق خبری دورفته حضور می‌یابند و اخبار ارزشمند و دست‌اول به روزنامه‌ها و ایستگاه‌های تلویزیونی مخابره می‌کنند. (فرهنگ لغت لانگ من)

«اوگون ساماست» قاتل روزنامه‌نگار ارمنی هرانت دینک در دادگاه کودکان محاکمه شود